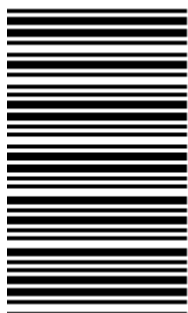


کد کنترل

221

A



221A

نظام آموزشی 3-3-6

صبح جمعه
1401/09/04



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.»
امام خمینی (ره)

آزمون مجدد سراسری ورودی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور
گروه آزمایشی علوم تجربی

عنوان مواد امتحانی، تعداد، شماره سؤالات و مدت پاسخ‌گویی

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	مدت پاسخ‌گویی	ملاحظات
1	زبان عربی	25	26	50	20 دقیقه	25 سؤال 20 دقیقه

با توجه به عنوان دروس دفترچه سؤال، لازم است پاسخ هر سؤال مطابق شماره سؤال درج شده در دفترچه در همان شماره ردیف در پاسخ‌نامه علامت‌گذاری و تکمیل شود.

حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و ...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی ممنوع می‌باشد و با متخلفین برابر مقررات رفتار می‌شود.

سال 1401

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره صندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخنامه و دفترچه سؤالات، نوع و کد کنترل درج شده بر روی دفترچه سؤالات را تأیید می‌نمایم.

امضا:

3/4 3/4 عین الأنسب للجواب عن الترجمة أو المفهوم من أو إلى العربية (٢٦ - ٣٥)

٢٦ - ﴿جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ، إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾:

- (١) با چیزی که بهتر است با آنان بحث کن، که پروردگار تو بهتر می‌داند چه کسانی از راه خود منحرف شده‌اند!
 - (٢) با آنچه بهتر است با آنان مجادله کن، قطعاً پروردگارت نسبت به کسی که از راه او منحرف شده آگاهتر است!
 - (٣) بدانچه نیکوتر است با آنان مباحثه کن، همانا خدای تو آگاه است که چه کسی در راه او گمراه شده است!
 - (٤) به آنچه نیکوتر است با آنان جدل کن، به درستی که خدایت عالمتر است چه کسانی در راه خود منحرف شده‌اند!
- ٢٧ - « هُوَ الَّذِي حَاوَلُ أَنْ يَهْدِيَنَا إِلَى أَحْسَنِ الطَّرِيقِ، وَ كُنَّا لَا نَهْتَدِي لَوْلَا مَحَاوَلَتُهُ »:

- (١) او کسی است که تلاش کرد ما را بسوی بهترین راهها هدایت کند، و اگر تلاش او نبود هدایت نمی‌شدیم!
- (٢) او کسی است که تلاش به هدایت ما به بهترین مسیرها می‌کند، و اگر نباشد تلاش او، هرگز هدایت نمی‌شدیم!
- (٣) او همان است که برای هدایتمان به راههایی نیکوتر تلاش کرده است، که اگر نبود این تلاش او، هدایت نشده بودیم!
- (٤) او همان کسی است که تلاش می‌کند هدایتمان کند به مسیرهای پسندیده‌تر، که اگر تلاشش نباشد، هدایت نخواهیم شد!

٢٨ - « قَدْ نَقَرْنَا قَسَمًا قَلِيلًا مِنْ كِتَابِ نَتَصَفَّحْهُ، وَ هُوَ وَ إِنْ كَانَ قَلِيلًا وَلَكِنَّهُ يُؤَثِّرُ فِي أَنْفُسِنَا تَأْثِيرًا! »:

- (١) گاهی قسمتی اندک از کتاب را ورق زده می‌خوانیم، و آن درحالیکه کم است ولی حتماً در درونمان اثر می‌گذارد!
- (٢) گاه قسمت اندکی از کتابی را که ورق می‌زنیم می‌خوانیم، و با اینکه آن اندک است اما در درونمان اثر فراوان دارد!
- (٣) گاه قسمتی اندک از کتاب را درحالیکه ورق می‌زنیم، می‌خوانیم، که آن اگرچه اندک است اما بی‌گمان در درون ما اثر دارد!
- (٤) گاهی قسمتی اندکی از کتابی را که آن را ورق می‌زنیم، می‌خوانیم، و آن اگرچه اندک است ولی قطعاً در درون ما اثر می‌گذارد!

۲۹ - « ما من طعامٍ نأخذُ منه قوَّةَ التَّفكُّرِ إِلَّا الكِتَابُ، فَإِنَّمَا هُوَ مَعْلَمٌ لَا يَشْعُرُ بِالتَّعَبِ فِي التَّعْلِيمِ أَبَدًا! »:

- (۱) تنها از کتاب می‌توانیم نیروی اندیشیدن را بگیریم، زیرا او معلّمی است که از یاددهی هرگز احساس خستگی نمی‌کند!
- (۲) هیچ غذایی نیست که از آن نیروی تفکر بگیریم مگر کتاب، چه او تنها معلّمی است که هرگز از یاد دادن احساس خستگی نمی‌کند!
- (۳) غذایی جز کتاب نیست که از آن قدرت فکر کردن را یاد بگیریم، بی‌تردید او معلّمی است که از آموزش دادن هرگز احساس خستگی نمی‌کند!
- (۴) جز کتاب، هیچ غذایی نیست که بتوان اندیشیدن را از آن کسب کرد، چه او فقط معلّمی است که از یادگیری، ابدأً خستگی را احساس نمی‌کند!

۳۰ - « هُنَاكَ فِي جَمِيعِ لُغَاتِ الْعَالَمِ كَلِمَاتٌ دَخِيلَةٌ تُغَيِّرُ لُغَةَ النَّاسِ وَ كِتَابَتَهُمْ بِمَرورِ الزَّمَنِ وَ تَخْلُقُ مَفَاهِيمَ جَدِيدَةً لَمْ تَكُنْ فِي الْمَاضِي! »: در همهٔ زبانهای دنیا ...

- (۱) کلماتی وارد شده است که با گذر زمان، زبان و نوشتار مردم را عوض کرده مفاهیمی نو خلق می‌کند که قبل از این نبوده است!
- (۲) کلمه‌هایی ورود پیدا کرده که بمرور زمان، زبان مردم و طریق نوشتن آنها را دگرگون کرده و مفاهیم نو خلق کرده که پیشتر وجود نداشته!
- (۳) کلمات دخیلی هستند که به مرور زمان، زبان مردم و نوشتار آنها را تغییر می‌دهند و مفاهیم جدیدی پدیدار می‌کنند که در گذشته نبوده است!
- (۴) کلمه‌های دخیل وجود دارد که در گذر زمان، زبان و نوشتن را برای مردم دگرگون کرده‌اند و مفاهیم جدیدی پدید آورده‌اند که در گذشته وجود نداشته!

۳۱ - « كَثِيرٌ مِنَ التَّلَامِيذِ يَظُنُّونَ أَنَّهُ يَجِبُ عَلَيْهِمْ أَنْ يَدْخُلُوا جَامِعَةَ الطَّبِّ أَوْ الْهِنْدَسَةَ لِاسْتِمْرَارِ دِرَاسَتِهِمْ! »:

- (۱) بسیاری از دانش‌آموزان ادامهٔ تحصیل خود را فقط در ورود به دانشگاه پزشکی یا مهندسی می‌دانند!
- (۲) بسیاری از دانش‌آموزان می‌پندارند که برای ادامهٔ تحصیل خود باید به دانشگاه پزشکی یا مهندسی وارد شوند!
- (۳) بسیار زيادند دانش‌آموزانی که تصوّر می‌شود باید حتماً به دانشگاه پزشکی یا مهندسی بروند تا تحصیلاتشان ادامه یابد!
- (۴) بسیاری از دانش‌آموزان هستند که گمان می‌کنند وارد شدن به دانشگاه پزشکی یا مهندسی لازم است تا تحصیلاتشان استمرار یابد!

۳۲ - « لَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نُسَافِرَ بِسَيَّارَةٍ قَدْ عَطَّتْ إِلَّا أَنْ نُصَلِّحَهَا تَصْلِيحًا! »:

- (۱) نمی‌توانیم با ماشینی که خراب شده مسافرت کنیم مگر اینکه حتماً آن را تعمیر کنیم!
- (۲) امکان دارد با ماشینی که خراب است به مسافرت برویم فقط زمانی که تعمیرش کنیم!
- (۳) امکان ندارد بتوانیم با ماشین خراب مسافرت کنیم مگر اینکه آن را بخوبی تعمیر کنیم!
- (۴) می‌توانیم با ماشینی که خراب شده به مسافرت برویم فقط در صورتی که بخوبی تعمیرش کنیم!

۳۳ - عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) إِنَّ الْيَأْسَ أَسْوَأُ شَيْءٍ يَمْنَعُنَا مِنَ التَّقَدُّمِ: ناامیدی بدترین چیزی است که ما را از پیشرفت باز می‌دارد!
- (۲) كُلَّ مَا اشْتَرَيْتَهُ الْيَوْمَ مِنْ هَذَا الْمَتَجِرِ كَانَ لَهُ تَخْفِيفٌ: هرچه را امروز از این مغازه خریدم تخفیف داشت!
- (۳) شَجَرَةُ الْخُبْزِ شَجَرَةٌ لَا يَأْكُلُ النَّاسُ إِلَّا لَبَّ ثَمَرَتِهَا: درخت نان درختی است که مردم فقط مغز میوه آن را می‌خورند!
- (۴) لَا تَنْتَظِرِي إِلَى نَوْرِ لَوْنِهِ أَحْمَرٌ، يُحْرِكُ الْأَعْصَابَ: تو به نوری که رنگش قرمز است نگاه نمی‌کنی، نور اعصاب را تحریک می‌کند!

۳۴ - عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) مَنْ لَا يَعْرِفُ بَابَ الْيَأْسِ فِي حَيَاتِهِ لَا يَعْرِفُ مَا هُوَ غَيْرُ مُمَكِّنٍ: کسی که درب ناامیدی را در زندگی نشناسد امر غیرممکن را نخواهد شناخت!
- (۲) دَقِيقَةٌ وَاحِدَةٌ مِنَ الْأَلَمِ سَاعَةٌ، وَ سَاعَةٌ وَاحِدَةٌ مِنَ اللَّذَّةِ دَقِيقَةٌ: دقیقه‌ای از درد، یک ساعت است و یک ساعت لذت یک دقیقه است!
- (۳) رَائِحَةُ هَذِهِ الشَّجَرَةِ كَرِيهَةٌ لِلْحَيَوَانَاتِ وَلَكِنهَا مُفِيدَةٌ لِلْمُزَارِعِينَ: بوی این درخت برای حیوانات ناخوشایند است اما برای کشاورزان مفید است!

(۴) الصَّدِيقَانِ الْحَقِيقِيَّانِ رُوحٌ وَاحِدَةٌ فِي جَسَدَيْنِ: دو دوست واقعی یک روح هستند در دو بدن!

۳۵ - «امروز کتابی را خریدم که قبلاً آن را دیده بودم!». عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) اشتریت اليوم الكتاب الذي رأيت ذلك قبلاً. (۲) قد اشتريت اليوم الكتاب الذي رأيت قبلاً.
- (۳) اشتريت اليوم كتاباً قد رأيت من قبل. (۴) اشتريت اليوم كتاباً و قد كنت رأيت من قبل.

3/4 3/4 اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (٣٦ - ٤٢) بِمَا يَنْسَبُ النَّصِّ:

قِيلَ إِنَّهُ كَانَ شَابًّا يَأْتِي إِلَيْهِ مِنْ بَيْتِ جَارِهِ كُلَّ يَوْمٍ طَعَامٌ مِنَ الزَّيْتِ وَالْعَسَلِ. فَتَرَكَ عَمَلَهُ وَ اِكْتَفَى بِهِمَا، وَ كَانَ يَأْكُلُ مِنْهُمَا بِقَدْرِ احتِجَاجِهِ وَ يَتْرُكُ الْبَاقِيَّ فِي كَأْسٍ كَبِيرَةٍ يَجْعَلُهَا فِي زَاوِيَةٍ مِنَ الْبَيْتِ حَتَّى امْتَلَأَتْ! ذَاتَ يَوْمٍ حِينَ كَانَ وَاقِفًا جَنْبَ الْجِدَارِ وَ الْكَأْسُ فِي يَمِينِهِ وَ عَصَاهُ بِيَدِهِ ... بَدَأَ يَتَخَيَّلُ كَعَادَتَهُ حَوْلَ حَيَاتِهِ فِي السَّنَوَاتِ الْآتِيَةِ وَ قِيَمَةِ الزَّيْتِ وَ الْعَسَلِ.

فَقَالَ فِي نَفْسِهِ: سَأَبِيعُ هَذَا وَ أَشْتَرِي بِهِ بَعْضَ الْحَيَوَانَاتِ وَ أَنْشِئُ مَرْعَةً كَبِيرَةً فَأَصْبِحُ زَارِعًا غَنِيًّا ثُمَّ أَنْزَوْجَ فِيهِ لِي رَبِّي وَ لِدَا صَالِحًا فَأَحْسِنَ تَأْدِيبَهُ. فَإِنَّ قَوْلَ كَلَامِي فِيهَا، وَ إِلَّا أَضْرِبُهُ بِهَذِهِ الْعَصَا ...! وَ أَشَارَ بِالْعَصَا إِلَى الْكَأْسِ ... فَوْقَ مَا وَقَعَ ... وَ انْتَهَتْ قِصَّةُ آمَالِ شَابَّنَا الْمُتَخَيَّلِ!

۳۶ - كَيْفَ يَصِفُ النَّصُّ الشَّابَّ؟:

- (۱) كَانَ يَعْمَلُ لِتَاجِرٍ وَ يَأْخُذُ مِنْهُ الزَّيْتِ وَ الْعَسَلِ! (۲) كَانَ مُحِبًّا لِلزَّيْتِ وَ الْعَسَلِ وَ جَمَعَهُمَا!
- (۳) كَانَ فَقِيرًا لَمْ يَكُنْ لَهُ شَيْءٌ! (۴) لَهُ آمَالٌ لَمْ يَقْدِرْ أَنْ يُحَقِّقَهَا!

٣٧ - عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي الْغَرَضِ مِنَ النَّصِّ:

- (١) لا فائدة في جمع الأشياء لأيام الحاجة.
 (٢) الخيال دون العمل يُسبب الزلزل.
 (٣) الخيال يهلك المرءَ و يجعله مُفلسًا.
 (٤) سوءُ عاقبة الخيال و مضرّاته على الإنسان.

٣٨ - عَيْنَ الْخَطَأِ:

- (١) لم يكن يقصد الشاب أن يتزوج.
 (٢) كان الزيت و العسل في وعاء واحد.
 (٣) كانت قيمة البضائع في زمن الشاب تزداد.
 (٤) كان الشاب يتوقع أن يسمع الآخرون كلامه و يقبلوه.

٣٩ - عَيْنَ الْعِنَانِ الْأَسْبِ لِلنَّصِّ:

- (١) الرؤيا دون الآمال
 (٢) عاقبة الآمال السيئة
 (٣) الأحلام الحسنة
 (٤) الخيال دون العمل

3/4 عَيْنَ الْخَطَأِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ (٤٠ - ٤٢)

٤٠ - « أَتَزَوَّجُ »:

- (١) مضارع - الصيغة الأولى: يتزوج و مصدره: « تزوج »
 (٢) فعل مضارع - للمتكلم وحده - اسم فاعله: متزوج - معلوم
 (٣) مضارع - للمتكلم وحده - ماضيه « زوج » على وزن « فَعَّلَ »
 (٤) فعل مضارع - له ثلاثة حروف أصلية « زوج » و حرفان زائدان

٤١ - « يَتَخَيَّلُ »:

- (١) مضارع - للمفرد الغائب - مصدره « تخيل » على وزن « تَفَعَّلَ »
 (٢) مضارع - له حرفان زائدان و حروفه الأصلية: « خيل » - معلوم
 (٣) فعل مضارع - للمذكر الغائب - ماضيه « تخيل » على وزن « تَفَعَّلَ »
 (٤) فعل مضارع - له حرفان زائدان، مصدره « تخيل » على وزن تفعيل

٤٢ - « الْمُتَخَيَّلُ »:

- (١) اسم فاعل و مصدره « تخيل » - صفة للموصوف « شاب » و ضمير « نا » مضاف إليه
 (٢) اسم فاعل، مصدره « تخيل » - صفة للموصوف ضمير « نا » في « شابنا »
 (٣) اسم - مفرد مذكر - اسم فاعل من فعل « تخيل » من وزن « تَفَعَّلَ »
 (٤) مفرد مذكر - معرفّ بأل - صفة للموصوف « شاب »

3/4 عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٤٣ - ٥٠)

٤٣ - عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (١) رَبَّ كِتَابٍ يَجْتَهِدُ الْقَارِئُ فِي قِرَائَتِهِ ثُمَّ لَا يَخْرُجُ مِنْهُ بِفَائِدَةٍ!
- (٢) سَارَ نَحْوَ الشَّمَالِ حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ يَسْكُنُونَ قُرْبَ مَضِيقٍ!
- (٣) تَعَلَّمَ كَيْفَ تَسْتَعْمَلُ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ لِلرِّقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلَفَةِ!
- (٤) نَصَحَهُ الْمُعَلِّمُ وَقَالَ: مَنْ لَا يَسْتَمِعَ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْسُبُ فِي الْإِمْتِحَانِ!

٤٤ - عین الصحيح عن توضيح المفردات التالية:

- (١) المكان الذي يهجم لاعبو كرة القدم إليه ← الملعب
- (٢) الذي يقذف النفايات على سطح الأرض ← الملوّث
- (٣) عندما لا يؤدّي الإنسان أعماله في وقتها ← التأجيل
- (٤) الكلمات الفارسية إذا دخلت إلى العربية ← المعرب

٤٥ - عین ما يناسب مفهوم البيت: «با بدان کم نشین که درمانی خو پذیر است نفس انسانی».

- (١) المرء مع من أحب!
- (٢) عن المرء لا تسأل و سل عن قرينه (صديقه)!
- (٣) خيرُ النَّاسِ مَنْ يَنْفَعُ النَّاسَ!
- (٤) لا يُحْكَمُ المرءُ بذنب أخيه!

٤٦ - عین ما فيه اسم المكان:

- (١) وصل عمّال إطفاء الحريق سريعًا مع أنّ معبرهم ما كان وسيعًا!
- (٢) استفاد المريض من مرهم لدفع آلامه من الحساسية الجلدية!
- (٣) كانت مهنة أخي من السنوات الماضية مصلح السيارات!
- (٤) هذا محرار جديد يعمل أحسن ممّا كان يُشبهه من قبل!

٤٧ - عین ما ليس فيه اسم المبالغة:

- (١) إنّ التّوّابین المؤمنین لا يرجعون إلى أعمالهم السيئة السابقة!
- (٢) هو كان كاذبًا كفارًا فليست عاقبته خيرًا في الدنيا و الآخرة!
- (٣) إنّ مدرستنا ليست كبيرة ولكنّ فيها تلاميذ خلاقين و مُجدّين كثيرين!
- (٤) قرأت قصصًا مفيدة من الكتاب حول مجادلات بعض الكفار مع النبي!

٤٨ - عین ما فيه الأعداد كلّها أصلية:

- (١) في بيتنا ثلاث غرف، واحدة منها أكبر من بقية الغرف،
- (٢) الغرفة الأولى للضيوف، فيها منضدة حولها اثنا عشر كرسيًا،
- (٣) نجد في الغرفة الثانية مكتبة في كلّ طبقة منها خمسة عشر كتابًا،
- (٤) يقع هذا البيت في الشارع الخامس، و الباب الحادي عشر بابه!

٤٩ - عيّن « يقفز » يوضّح ما قبله:

- (١) هذا السّنجاب يقفز من هذه الشجرة إلى تلك الشجرة!
- (٢) رأيت ذلك السّنجاب يقفز بسرعة من هنا إلى هناك!
- (٣) بحثتُ عن سنجاب يقفز من شجرة إلى شجرة بسرعة!
- (٤) كان سنجاب يقفز على الأشجار في الغابة بسرور!

٥٠ - عيّن ما فيه التأكيد:

- (١) أجاب التلميذ عن السؤال إجابةً كاملة!
- (٢) يسجد الإنسان في حياته لله سجودًا متواضعًا!
- (٣) سجد هذا المؤمنُ لله سجودًا طويلاً!
- (٤) أجاب المعلمُ عن سؤال الطالب إجابةً أكمل!

